

این گونه تشهیر را نه در شرع داریم نه در قانون

♦ وقتی به نام دین و اسلام صورت می‌گیرد به چهره دین هم آسیب می‌زند که واقعاً موجب مسئولیت است



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نوبهار دانش آموخته حوزه علمیه و دارنده دکترای حقوق و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی است. ایشان تالیفات مختلف شناخته شده ای دارد و از فعالین حقوق بشر در گفتمان اسلامی به شمار می‌آید.

دانشگاه‌ها هم از این گونه مطالعات کمتر استقبال می‌کنند. به محض اینکه دانشگاه‌ها بخواهند تحقیقاتی در این باره بکنند این سوءظن پیدا می‌شود که این تحقیق برای چیست و برای کیست؟ نتیجه این می‌شود که ابعاد و جنبه‌های بسیاری از دردها و معضلات را اصولاً نمی‌دانیم تا به درمان آن بپردازیم. این در حالی است که بسیاری از کشورها آمارهای جنایی خود را به‌طور دقیق و دوره‌ای اعلام می‌کنند. جدا از این مطلب مهم این است که تشهیری که شاهد آن بودیم یعنی گرداندن مجرمان در شهر و تحقیر و تزدیل آن‌ها و چه شرعی و قانونی ندارد تا درباره کارآمدی آن صحبت کنیم. ما سودانگار نیستیم که هر کاری را به صرف سودمندی تجویز کنیم. همچنان که مشروعیت هدف، مشروعیت وسیله و نتیجه نمی‌کند. البته می‌توانیم بگوییم به‌طور کلی تجربه بشریت این است که از این سبک رفتار با بز هکاران گذر کرده است و آن را نمی‌پذیرد. این تجربه، البته گراف نیست و در جریان عمل به دست آمده است.

آیا جوامع در گذر زمان، در این زمینه تفاوت‌هایی داشته‌اند تا بتوان گفت در گذشته تشهیر مؤثر بوده است، ولی الان دیگر اثر منفی و سوءبیشتری دارد؟ تشهیر معمولاً در نوع نظام‌های حقوقی قدیم و جدید وجود داشته و دارد؛ اما همان گونه که تأکید کردم بارعایت شرایط و حدود و ثغور آن. از جمله شرایط این است که تشهیر نباید کرامت‌سنیز باشد. کرامت از آن هر انسانی، حتی انسان بز هکار است. تجویز مجازات به معنای جواز پایمال کردن عرض و آبرو و کرامت شخص نیست. به این ترتیب شکل تشهیر با توجه به عناصر فرهنگی، اجتماعی و امکانات متفاوت خواهد بود. اصولاً مجازات به نظر من از جنس مقاصد شریعت نیست؛ از جنس وسیله و ابزار است

پس تشهیر به معنای گرداندن متهمان یا بز هکاران در شهر که اخیراً شاهد بودیم، چه حکمی دارد؟

این گونه تشهیر را نه در شرع داریم نه در قانون. این‌ها اقدامات خلاف شرع و قانون است که بی‌توجهی صورت می‌گیرد و البته افزون بر صدمه‌ای که به بز هکاران یا خانواده‌های آن‌ها می‌زند، وقتی به نام دین و اسلام صورت می‌گیرد به چهره دین هم آسیب می‌زند که واقعاً موجب مسئولیت است.

اگر به فرض، این گونه تشهیر به تشخیص قاضی، مقدمه منحصراً برای دفع اوباش و بازدارندگی اجتماعی باشد، آیا باز هم جایز نیست؟

بله حتماً جایز نیست؛ اولاً این فرض بعید یا غیرممکن است. ثانیاً مگر می‌شود با عمل حرام دفع خطر اوباش را کرد. مجازات و واکنش به جرم در هر حال باید مشروع باشد. اگر به این منطق خطرناک متوسل شویم باید خدای‌ناکرده شکنجه را هم در مواردی جایز دانست. فقط کسی که با الفبای مقولاتی مانند پیشگیری، بازدارندگی، کنترل اجتماعی و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی آشنا نباشد می‌تواند ادعا کند که ممکن است یگانه راه دفع اراذل و اوباش تشهیر به معنای مبتذل و غیرشرعی و غیرقانونی آن باشد. این گونه واکنش به پدیده جرم و اراذل و اوباش بیشتر نشان ضعف جامعه در دفاع از خود است تا قوت و توان آن.

آیا آمار علمی در میزان بازدارندگی و تأثیر اجتماعی چنین تشهیری وجود دارد تا بتوان ادعای عدم بازدارندگی مبتنی بر آن را مطرح کرد؟ متأسفانه ما در آمار جنایی در حد ابتدایی و مقدمات هم مشکل داریم. به علت فقدان منابع آماری دانشجویان

مجازات تشهیر در منابع روایی و فقهی ما چه صورتی دارد؟ در سایر نظام‌های حقوقی دنیا چنین مجازات یا مشابه آن را داریم؟

تشهیر در منابع روایی ما شیعیان فقط دو بار درباره شاهد زور آمده است و جنبه حدی ندارد تا اجرای آن الزامی باشد. البته فقیهان در مصادیق دیگری مانند قواد یا قاذف یا ورشکسته هم فتوا به تشهیر داده‌اند که گاه با الغای خصوصیت از شهادت زور یا تکیه بر ارتکازات عقلایی در باب مجازات که به موجب آن یکی از اهداف مجازات، عبرت گرفتن است، صورت گرفته است. ولی این تشهیر به معنای شناساندن است؛ لذا گاه تصریح شده است که نباید کارهایی مانند سر تراشیدن یا سوار بر حیوان کردن یا گرداندن در شهر در خصوص او انجام شود. به هر حال تشهیر در مصادیقی که جایز باشد نوعی تعزیر است و موکول به مصلحت است که این مصلحت را عقلانیت اجتماعی تشخیص می‌دهد. این عقلانیت امروزه در قالب نهاد پارلمان تجلی پیدا می‌کند. حتی اگر تشهیر به عنوان حد مطرح شده بود جاداشت که به لحاظ اجتهادی از چشم‌انداز اثر تغییر موضوع بر تغییر حکم و اینکه از مقاصد شرع نیست و از وسایل است در حکم آن بازاندیشی کنیم؛ اما مهم این است که بدانیم تشهیر در شریعت در مواردی که مجاز است در هر حال در چارچوب رعایت اصل کرامت انسانی است. همان گونه که در مقاله «به‌سوی مجازات هر چه انسانی‌تر» توضیح داده‌ام، هر گونه مجازاتی در هر حال در چارچوب رعایت اصل کرامت انسانی است. متون اسلامی که بر رعایت شأن و کرامت بز هکاران دلالت دارند از نظر محتوا و شماره شگفت‌انگیز است. هر چند آن‌ها اغلب مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند و در آن‌ها درنگ و تأمل شایسته نشده است.



۵

باید کاملاً به اندازه، دقیق و در فرض نیاز یا حتی ضرورت استفاده کرد. پژوهش‌ها نشان داده است که زدن بر چسب مجرمانه و داغ بزهاکاری به پیشانی کسی مخصوصاً اگر ماندگار باشد و در دید بسیاری از مردم باشد اثر نامطلوب دارد. نباید اجازه دهیم مجرم احساس کند به جامعه بزهاکاران بستگی و تعلق دارد و راه بازگشت او به صلاح و سداد بسته است. آموزه‌های اسلامی در حوزه مجازات انسان‌گرا و اصلاح‌گرا است و اصلاح با درجه‌ای بالا از تحقیر و تزییل بزهاکار تحقق نمی‌یابد.

اگر مأمور قانون از جمله قاضی، نیروی انتظامی و... در مواردی که تشهیر لازم نیست، حکم به تشهیر بدهند، این متهمان در نظام اسلامی چگونه می‌توانند از حقوق خود دفاع کنند و باید به کدام مراجع قانونی مراجعه کنند؟

برابر مبانی مسلم شرعی رفتار اهانت‌آمیز با متهمان هرگز روا نیست. تشهیر غیر قانونی هم حرام است و می‌تواند مصداق جرم باشد. حتی تشهیر به معنای قانونی و شرعی آن در مواردی باید باشد که قانون تصریح کرده است. چون جرم و مجازات باید قانوناً بیان شده باشد. مواد قانونی متفاوتی داریم و عنوان‌های مجرمانه متعددی بر این رفتار صادق می‌آید و بدون شک مسئله قابل پیگیری قضایی است. فصل دهم از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) با عنوان تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی جرائم گوناگونی را بر شمرده است که بر رفتارهایی مانند تشهیر از نوع آنچه متأسفانه اخیراً شاهد بودیم صادق می‌آید. این اعمال با شرایطی مصداق مجرم کردن افراد از حقوق شناخته شده در قانون جمهوری اسلامی ایران است که جرم است. همچنین می‌تواند مصداق سوءاستفاده از قدرت و جلوگیری از اجرای قوانین باشد که عنوان مجرمانه مستقلی است. گاه این اعمال مصداق اذیت و آزار بدنی برای وادار کردن افراد به اقرار است که آن نیز جرم مستقلی است. ماده هفت قانون آیین دادرسی کیفری کشور هم برای کسانی که به مضامین قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بی‌وجهی کنند ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده است. در ماده ۲۰ سند امنیت قضایی که اخیراً توسط ریاست قوه قضاییه ابلاغ شده است نیز بر حفظ انواع حقوق مظنونان، متهمان، شهود و مطلعان و رعایت کرامت انسانی آن‌ها تأکید شده و به لزوم پرهیز از هر گونه شکنجه جسمی یا روحی، اجبار به اقرار یا ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با توهین و تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و آزار جنسی یا هتک حیثیت و آبروی اشخاص از هر نوع و همچنین هر گونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خود فرد یا خانواده و نزدیکان اشخاص فوق، در هر شرایطی مطلقاً تصریح شده است. برابر این ابلاغیه، رفتارهای مذکور نسبت به افراد محکوم به حبس یا زندانی یا تبعید شده فراتر از حکم قضایی صادر شده، ممنوع و موجب مجازات است. البته امیدوارم این تأکیدها صرفاً نوشته‌هایی بر کاغذ نباشند و در عمل برای همه و در مورد همه مراعات شود.

تشهیر، تصریح شده است و شکل و شیوه مقبول تشهیر چگونه است؟

مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۲۳، ۳۶، ۲۰، یا تبصره ۲ ماده ۱۴۳ و مواد قابل توجهی از قانون تعزیرات حکومتی تشهیر را پذیرفته است. اما همان گونه که اشاره کردم تشهیر در این موارد و مواد مشابه در قالب انتشار حکم محکومیت در روزنامه کثیرالانتشار یا روزنامه محلی یا به‌طور نادر صداوسیما جمهوری اسلامی است، نه گرداندن افراد در کوچه‌ها و خیابان‌ها. این برخوردها از روح و گوهر تمدن اسلامی بسی به دور است. در دینی که پیامبر آن مردمی را که به محکوم توهین می‌کردند ملامت کرد و برابر نقل فرمود: از عمل بزهاکار تبری بجوید نه از خود او؛ یا فرمود با توهین به بزهاکار مایه ارتباط او با شیطان نشود؛ یا پیشوای آن امیر مؤمنان علیه‌السلام آن‌ها را که به دیدن مجازات بزهاکاران حریص‌اند آدم‌های فضول خواند و به قنبر فرمود: این‌ها را از من دور کن. این رفتارها در بهترین فرض نشان بی‌خبری از اسلام و آموزه‌های مترقی و کرامت‌مدار آن است. بخشی از متن ناظر به این بحث را در کتاب «اهداف مجازات در جرائم جنسی: چشم‌اندازی اسلامی» ذکر کرده‌ام که می‌توانید مطالعه بفرمایید.

پس تشهیر به معنای صرف گرداندن در شهر شامل ضرب و جرح در انتظار عمومی نداریم؟ یعنی نمی‌توان با دستور اجرای تشهیر، متهم را در ملأعام کتک زد؟

معاذ الله اگر چنین چیزهایی در قوانین و مقررات داشتیم باید از قوانین خود شرم‌منده می‌شدیم. باید شرم‌منده می‌شدیم که اسم این آموزه‌ها را قانون بگذاریم. متهم که اصولاً شأن خود را دارد و اصل بر ائت با اوست و نمی‌شود با او معامله مجرم کرد، یا به او توهین کرد یا او را مجازات کرد. او یک انسان عادی است و مجازات نمی‌شود. پس اصلاً بحث متهم را به کلی از تشهیر جدا کنید و کنار بگذارید. تشهیر به‌عنوان مجازات با رعایت اصل قانونی بودن جرم در هر حال در مورد محکومی که جرمش پس از رسیدگی در دادگاه صالح ثابت شده باشد مطرح می‌شود. تازمانی که حکم نهایی قطعی محکومیت کسی صادر نشده باشد بدون شک تعرض به بدن و کرامت و آبروی او مصداق حرام بین شرع و برابر قوانین جرم است. در خصوص محکوم هم همچنان که گفتیم با شرایط و چارچوبی در قالب‌های امروزی آن مانند انتشار حکم از طریق رسانه‌ها با رعایت شرایط مطرح می‌شود. کتک زدن به دیگری در ملأعام فقط یک گناه و جرم است.

تشهیر به‌عنوان نوعی شیوه اجرای مجازات یا خود مجازات تا چه اندازه در ارتقای سلامت جامعه از پدیده بزهاکاری مؤثر است؟

تشهیر به معنای اعلام نام شخص حقوقی یا حقیقی با شرایط و در چارچوبی معین می‌تواند بازدارنده باشد و به برآورده شدن یکی از اهداف مجازات که همان بازدارندگی خاص یا عام است کمک کند. ولی باید به یاد داشته باشیم که استفاده گسترده از برچسب مجرمیت به افراد حقیقی یا حقوقی مناسب نیست و آثار منفی دارد. همه انواع مجازات به دارو می‌مانند. از کیفر

که برای هدف یا اهدافی صورت می‌گیرد و بسته به عناصر فرهنگی و اجتماعی تغییر می‌کند. مادر قوانین پس از انقلاب اسلامی بر اجرای بی‌چون و چرای مجازاتی که آن‌ها را اسلامی نام نهاده‌ایم تکیه کرده‌ایم اما به این واقعیت توجه نکرده‌ایم که مجازات امری آموزشی و فرهنگی است. شیوه آموزش دادن به خطا کار و تربیت او متوجه کردن وی در هر زمان و مکانی متفاوت است. تشهیر هم به‌عنوان نوعی مجازات یا شیوه‌ای از اجرای مجازات امری زمانمند است. حتی تشهیری که در روایات در مورد شاهد دروغ آمده است هرگز به معنای تجویز پایمال کردن کرامت او نیست. از همین رو برخی فقیهان مانند شیخ طوسی و ابن‌ادریس به درستی تأکید کرده‌اند که نباید مجرم را سوار بر حیوان کرد و گرداند. تشهیر برای شناخته شدن فرد بوده است. امروزه ما می‌توانیم نام و مشخصات شاهدان دروغ را به‌طور دقیق و به‌گونه‌ای که موجب اشتباه نشود در رایانه‌ها ثبت کنیم و اگر شاهد دروغ خواست شهادت دهد شهادت او را قبول نکنیم. یا در فرض ضرورت در رسانه‌های محلی اعلام کنیم. جالب است که ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی که انتشار حکم محکومیت را در برخی جرائم تجویز می‌کند می‌گوید باید در روزنامه محلی باشد. کسانی که این قانون را نوشته‌اند احتمالاً به این نکته توجه داشته‌اند که اگر هدف با انتشار حکم در روزنامه محلی تأمین می‌شود نباید در روزنامه سراسری و کثیرالانتشار مطرح شود.

با توجه به اینکه تشهیر با آبروی بستگان مجرم هم ارتباط دارد با این لحاظ چه وضعی پیدامی‌کند؟

یکی از چالش‌های مجازات این است که از یک‌سو به حکم اصل شخصی بودن مجازات و مسئولیت که در آموزه‌های اسلامی هم فراوان بر آن تأکید شده است، مجازات باید متوجه خود فرد و نه کسان و خویشان او باشد؛ اما نوع مجازات معمولاً بر کسان و وابستگان او هم اثر می‌گذارد. زندان کردن محکوم خانواده‌اش را از وجود او در کانون خانواده محروم می‌کند. به همین علت اخیراً در مقاله‌ای با عنوان «امر خصی خانواده محور زندانی» تأکید کردیم که بخشی از زبان عاطفی خانواده محکوم از زندان می‌تواند با مرخصی دادن به زندانی جبران شود. جزای نقدی بر درآمد و اقتصاد خانواده هم اثر می‌گذارد. و همین‌طور دیگر مجازات. باید کاری کرد که تشهیر هم به معنای پذیرفته شده آن کمترین اثر را بر خویشاوندان و وابستگان بزهاکار بگذارد. هر چند توفیق کامل در این باره دشوار است اما باید نسبت به این امر دغدغه‌مند بود و کوشید. پس در تشهیر قانونی به معنای انتشار محدود حکم محکومیت در رسانه باید این جنبه هم رعایت شود. باید محاسبه کنیم که انتشار محکومیت مجرم از رسانه بر خانواده او و فرزندان او که مثلاً مشغول تحصیل هستند چه تأثیری می‌گذارد. آن‌ها نباید از این بابت زبان غیرمتعارف ببینند. ضرورت تشکیل پرونده شخصیت برای واریسی جهاتی از همین قبیل است.

در قوانین جزایی ایران خصوصاً قانون مجازات اسلامی در چه جرم‌هایی به مجازات

تشهیری که شاهد آن بودیم یعنی گرداندن مجرمان در شهر و تحقیر و تزییل آن‌ها وجه شرعی و قانونی ندارد تا در باره کارآمدی آن صحبت کنیم. ما سودانگار نیستیم که هر کاری را به صرف سودمندی تجویز کنیم. همچنان که مشرعیت هدف، مشرعیت وسیله را توجیه نمی‌کند. البته می‌توانیم بگوییم به‌طور کلی تجربه بشریت این است که از این سبک رفتار با بزهاکاران گذر کرده است و آن رانمی‌پذیرد. این تجربه، البته گزاف نیست و در جریان عمل به دست آمده است

